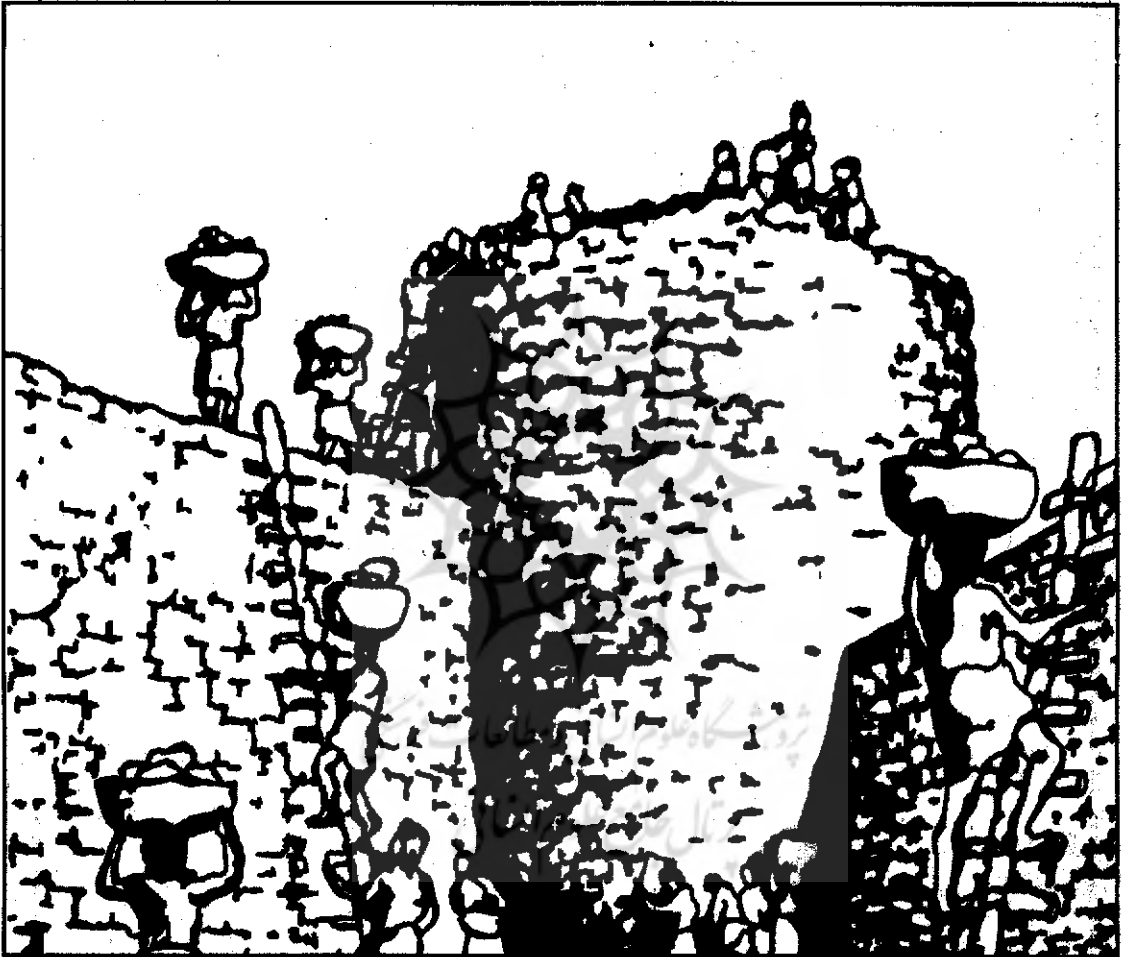


معماری اقوام ■ سلسله سوم

معماری اقوام در نواحی شرقی مدیترانه ■ منطقه بصرامپور



مجموعه آثار ایران

چشمه پرایبی بنام الیوشنغ Elisha's Fountain سیراب می‌شود. این سرزمین از حدود ده هزار سال قبل از میلاد مسیح توسط عده‌ای از مردم شکارچی مورد توجه و سکونت قرار گرفته و تا عصر پیامبران بنی‌اسرائیل پیوسته محل استقرار اقوام گوناگون بوده است. دیرینه شناسان، این فرهنگ کهنسال ده هزارساله را تمدن ناتوفیان Natufians نام گذاری کرده‌اند. و بنابر روایت تورات در حدود سال ۱۲۰۰ ق.م بدست یوشع و قوم بنی‌اسرائیل افتاد.

از سرزمین میانرودان یا بین‌النهرین Mesopotamia به طرف غربی‌ترین نقاط آسیا پیش می‌رویم و قدم به منطقه‌ای از هلال حاصلخیز^(۱) می‌گذاریم که بناهای باستانی البیضا Ai - Beidha و اریحا Ariha یا جریکو Jericho معروف هستند. (نواحی کنونی سوریه - لبنان - فلسطین و اردن).

اریحا که امروزه هم به همین نام مشهور می‌باشد در صحرای اردن و در شمال بحرالمیت واقع شده و از



این مسئله از نظر دیرینه‌نگاران یک فرضیه تلقی می‌گردد، که البته، در واقع بهترین و قابل قبول‌ترین فرضیه‌ها بشمار می‌رود. به هر حال، این پاسخ مطرح است که با وسائل کاملاً ابتدائی چگونه می‌توان چنین صخره‌های عظیمی را حفاری نموده و مورد بهره برداری قرار داد؟... بهر صورت اگر این فرضیه درست و منطقی باشد، ابتکار عمل حیرت‌برانگیز این قوم ساکن، شگفت‌آور می‌باشد.

در حوالی هزاره نهم و هشتم قبل از میلاد مسیح، این گونه معماری در منطقه غرب آسیا و خاور نزدیک بسیار دارای اهمیت می‌باشد و قدیمیترین استقرار بشری را در این نقطه سرسبز به آیندگان معرفی می‌نماید.

خانه‌های ساکنان عموماً بیضی شکل و از خشت ساخته شده که از کهن‌ترین نوع معماری دست بشر محسوب می‌شود. اینکه چرا این مردمان از شکل بیضی برای خود خانه می‌ساختند خود مسئله مهمی می‌باشد و سؤالات زیادی را مطرح می‌سازد. آیا آنان از طبیعت الهام گرفته و از آسمان و خورشید و ماه و آشیانه پرندگان و لانه جانوران و خزندگان محیط خود تقلید می‌نمودند؟ به نظر می‌رسد عوامل گوناگون زیست محیطی، این انسانها را بر آن داشته که چنین معماری را برای خود انتخاب نمایند اگرچه هنوز انگیزه اصلی آنها برای ما شناخته شده نیست.

اریحا که به معنی سرزمین سرسبز و باطراوت می‌باشد در عصر آبادانی، وسعتی در حدود ۴ هکتار داشته و دارای برج و باروی مستحکم بوده که در برابر یورش همسایگان احداث شده بود. این برج و باروی دفاعی را خندق عظیم تکمیل می‌نموده که معماری آن درخور اهمیت می‌باشد.

عرض خندق حدود ۸ متر و عمق آن ۲/۵ متر و در کناره داخلی آن دیواری سنگی افراشته بودند و برج سنگی عظیمی به صورت مدور به قطر ۸/۵ متر و به ارتفاع ۷ متر در کنار آن برپا نموده بودند. این گونه به نظر می‌آید که این استحکامات قبل از دوران نوسنگی هم وجود داشته زیرا معماری آن کاملاً با معماری ادوار بعدی متمایز می‌باشد. این استحکامات، امروزه توسط باستانشناسان از عمق ۱۵ متری خاک بیرون کشیده شده است. نکته‌ای که ذکر آن ضروری به نظر می‌رسد اینکه این خندق عظیم در اطراف این قصبه کهن در دل صخره‌های آهکی حفر گردیده که خود موجب حیرت کاوشگران شده است. بطوریکه احتمال قوی داده می‌شود که مردم مستقر در این ناحیه مشکل حفر این گودال بزرگ را در دل سنگهای آهکی با ابتکار ویژه‌ای حل نموده بودند: آنها با امکانات ابتدائی خود، ابتدا صخره‌ها را حرارت می‌دادند و آنگاه با پاشیدن آب بر روی آنها، موجب پاشیده شدن سنگها و در نهایت گودبرداری خندق می‌شدند.

این خانه‌ها عموماً بر روی صخره‌های سنگی و بصورت گود ساخته شده بودند و احتمالاً درب آنها از چوب بوده که از بین رفته‌اند.

ساکنین اریحا در این عصر هنوز از سفالگری اطلاع نداشتند و شکار منبع اصلی غذای آنان به شمار می‌رفت. آنها احتمالاً از دانه‌هایی برای تغذیه بهره می‌گرفتند. ماب به آداب و رسوم و طرز زندگی و معیشت آنان، گرچه ضروریست کاری نداریم و فقط این را می‌دانیم که آسایش و رفاه این مردم از برکت آب و هوای معتدل و چشمه جوشان یوشع و نیز زمین‌های قابل کشت، مورد توجه همسایگان قرار گرفته و موجب گردد آنها بدفعات مورد هجوم قرار بگیرند. در این گونه موارد، هر تمدنی برای مصون ماندن از حمله بیگانگان ناچار می‌شود حالت دفاعی گرفته و هر آنچه در توان دارد برای جلوگیری از تعرض بکار برد. بنابراین همانگونه که ذکر آن گنجهت اقوام ساکن دست به ساختن مضاری همگانی می‌زنند. برج و بارو و خندق مورد نظر در اریحا که قبلاً به آن اشاره شد، نمونه اینگونه معماری است.

معماری عظیم تدافعی را می‌توان اولین موانع

دست بشر دانست که اقوام مختلف برای جلوگیری از حمله اقوام دیگر ابداع کرده‌اند ضرورت آن وقتی مهم‌تر به نظر می‌آید که بدانیم بسیاری از اوقات دسترنج کشتکاران مورد هجوم قرار می‌گرفت. پس معماری در عصری ظاهر می‌شود که انسان یکجانشین و کشاورز به آن نیازمند است. در حالیکه شکارگران و جمع‌آوری کنندگان آذوقه قبل از عصر نوسنگی، نیازی به معماری و سرپناه نداشتند. معماری برج و بارو و نیز قلعه‌ها و دژهای مستحکم در دوران استقرار، بنا به ضرورت احداث می‌گردیده و جز جنبه تدافعی و حفظ جان و مال و مصون نگه‌داشتن ایل و عشیره، جنبه دیگری نداشته است.

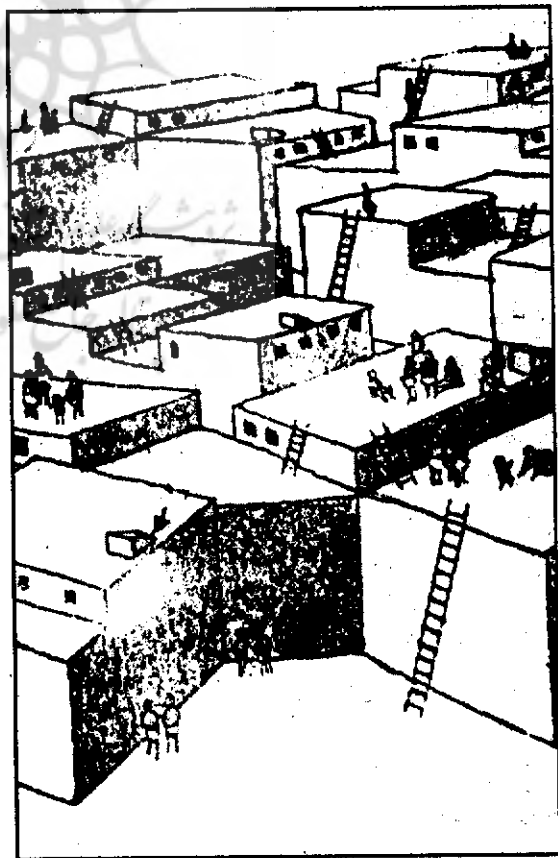
بهمین دلیل است که قبل از جنگهای مدرن امروزی ما در گوشه و کنار جهان به هزاران هزار از این بناها و موانع عظیم ساخته شده توسط دست بشری برخورد می‌نماییم. نمونه بارز آن دیوار عظیم چین می‌باشد که در برابر هجوم اقوام Hon طی قرن‌ها احداث گردیده و آثار دیدنی آن هنوز باقیست.

پس بدون تردید معماری برج و بارو که قدمتی چندین هزارساله دارد اینکار و حاصل کار طاقت‌فرسای انسانهایی بوده که جهت آرام زیستن و محفوظ بودن از دستبرد دیگران بوجود آمده است.

اریحا از حدود سالهای ۶۵۰۰ ق.م تا ۵۵۰۰ ق.م، چندین بار توسط مهاجمین ویران شده و مجدداً برپا گردید. بدین ترتیب، تمدنها یکی پس از دیگری بر روی ویرانه‌های تمدن‌های قبلی بنا شدند که ارتفاع تل آن نسبت به زمین‌های اطراف به حدود ۲۰ متر رسید. (بعدها، مسلمانان به آن تل‌السلطان نام نهادند.)

به ادوار بعدی قدم می‌گذاریم. تغییرات تمدن کاملاً محسوس است، معماری خانه‌ها از صورت بیضی خارج گردیده و صورت گردتری به خود گرفته. کف آنها، گل‌اندود شده و ظاهراً نوعی پوشش گیاهی بصورت حصیر کف آنها را می‌پوشانده است. برای اینکار، شاید از الیاف برخی از درختان و گیاهان اطراف محیط زیست خود استفاده می‌کردند.

در دوره‌های بعدی ساختمان خانه‌ها از چینه گلی و اندودگل احداث شده‌اند و معمولاً دارای یک اتاق بزرگ و دو اتاق کوچکتر بودند. از آنجا که در زیر اتاقها، قیوری از اسکلت اطفال یافت شده، احتمال





قربانی شدن انسان مخصوصاً اطفال زیاد است. این، شاید اولین مراسم مذهبی این اقوام بشمار برود. در تکامل بعدی، همین نوع اطاقها با نوعی گچ قرمز رنگ پوشش داده می‌شد. این اطاقها برخلاف ادوار قبلی که بیضی شکل و گرد بودند اکنون چهارگوش و دارای حیاط و فضای باز بوده که به یکدیگر مرتبط می‌شدند. کوچه و یا معبر عمومی در این مکان دیده نشده است. با عبور از این سرزمین و رفتن بسوی شمال، درست در شمال شرقی دریای مدیترانه، جنوب کوه‌های آناتولی و درون دشت قونیه، به نقطه دیگری می‌رسیم که از لحاظ آب و هوایی چندان تفاوتی با اریحا و بیضا ندارد نام باستانی آن چتل هیوک Catal Hüyük می‌باشد. چتل هیوک از اریحا بزرگتر بود و در حدود ۱۲ هکتار وسعت داشت.

معماری آن شامل ساختمان‌های گروهی و اتاقهای به هم مرتبط و حیاط‌های بزرگ و کوچک بودند که به یکدیگر راه داشتند. اینجا هم کوچه دیده نشده و اینطور به نظر می‌آید که ساکنان از بامها وارد خانه‌ها می‌شدند. شاید این نکته نیز دلیل محکم دیگری باشد بر اینکه این مردم مرتباً مورد حمله مهاجمین اطراف خود واقع می‌شدند. نوع معماری، همبستگی

آنان را در مواقع خطر به اثبات می‌رساند. دیوارها مستحکم‌تر و ضخیم‌تر از حد معمول بنا گردیده و برج سنگی عظیمی به صورت مدور به قطر ۸/۵ متر و ارتفاع تقریبی ۷ متر در کنار آن ساخته شده بود که آثار آن هنوز باقیست. در مرکز این برج، راه پله‌ای از تخته سنگهای بزرگ به صورت سرپوشیده ساخته شده بود. بررسی این نوع استحکامات، نشان می‌دهد که هجوم اقوام دیگر به این سرزمین، بدفعات صورت گرفته و این مکان ویران شده است. به نظر می‌آید این بنا، زمانهایی هم غیرمسکونی و متروک به جای مانده ولی بهر حال تازه واردین، آوارهای حاصل از ویرانی را به طور کلی تسطیح نموده و بر روی آن بناهای نو ساختند، بطوریکه نسبت به ادوار پیشین، این ساخته‌ها کاملاً متفاوت و پیشرفته‌تر می‌باشند.

۱- هلال حاصلخیز، منطقه‌ای وسیع و حاصلخیز در خاورمیانه می‌باشد که از سرزمین نیل در آفریقا شروع و تا مصب آن در اسکندریه و آنگاه نواحی شرقی مدیترانه و بالاخره کوه‌های آناتولی در ترکیه امروزی را دربر گرفته و تا سرزمین‌های میان رودخانه‌های دجله و فرات در جنوب عراق کنونی و غرب کوه‌های زاگرس پیش می‌رود.

ایلیا رپین

در فصلنامه
هنرهای تجسمی
شماره ۵



REPIN

بسم به الرحمن الرحیم

- ۴ ● نقاشیهای دیواری و طرحهای حجمی ... / مقاله اول
- ۶ ● از سوپرمن تا مرد اتمی / سید مسعود شجاعی طباطبایی
- ۱۴ ● درباره معماری معاصر / دکتر سیاوش قندی
- ۱۸ ● کورو : شاعر غمناک طبیعت / مصطفی مهاجر
- ۲۴ ● طراحی فضاهای قدسی / محمد رضا محمدی نجات
- ۳۳ ● کتابخانه حوزه هنری
- ۳۸ ● از بازسازی طبیعت تا بیان حالت / مصطفی گودرزی
- ۴۳ ● تجدید میثاق
- ۴۴ ● نابغه ای منزوی و درک نشده یا ... / مینا نوانی
- ۵۲ ● الفسون رنگها / مرتضی گودرزی
- ۵۸ ● بهشت از دست رفته گوکن / دکتر پریسا شاد
- ۶۱ ● تا به امروز ... / پرویز کلانتری
- نامه ای به یک دوست قدیمی / مقاله اول
- نقاشی نوین انگلیس / ادوارد لوسی اسمیت / اکرم قیطاسی
- نقاشی سنتی ایران معاصر / احسان اعتمادی
- به آینده هنرهای تجسمی کشورمان امیدوارم / مهدی حسینی
- چونان نقاشی ایرانی / عاطفه حجازی
- تفسیر معنای آدمی / دکتر عبدالمجید حسینی راد
- بررسی و تحلیل نقاشی دیواری / ایرج اسکندری
- پیکاسو و سرانجام یک تابلو
- مثل هنرمندان رئسانسی / علی اکبر صادقی
- بخارای گرم ، سمرقند شیرین / دکتر مصطفی کیانی
- معماری اقوام / منوچهر بهرامپور

سوره هنرهای تجسمی

● شماره چهارم ● زمستان ۱۳۷۷

● صاحب امتیاز : حوزه هنری
● مدیر مسئول : محمد علی زم
● سردبیر : م. گودرزی

● مدیر هماهنگی : حسین سلامت منش
● امور هنری : مرکز هنرهای تجسمی حوزه هنری
● گرافیک کامپیوتری : امیر عبدالحسینی
● مدیر داخلی : ایراندخت روشنی
● روابط عمومی : فریبرز شیرینی
● ویراستار : مهناز خسروی ، عاطفه حجازی
● امور فنی : مجید ریاضی

● لیتوگرافی چاپ و همگامی : موسسه انتشارات سوره ، خیابان پامنار ، کرچه حاجیبا، شماره ۲۶، تلفن: ۷-۲۲۰۰۲۲

● آگهی : سازمان آگهی های شرکت مطبوعاتی سوره ، تلفن : ۶۴۱۲۲۷۲ ، ۶۴۱۲۲۳۶

● نشانی دفتر هنرهای تجسمی : تهران - خیابان حافظ - پلاک ۷ از چهار راه کالج - کوچه آرژانتین - پلاک ۲/۱
● مرکز هنرهای تجسمی حوزه هنری، تلفن : ۸۸۹۵۳۹۶ ، فاکس : ۸۸۹۵۳۹۸

● آراء و نظریات نویسندگان مقالات، از روی دیدگاه مرکز هنرهای تجسمی حوزه هنری نمی باشد.



هنرهای تجسمی